



رستگاری «مغز استخوان» در دقیقه ۹۰!

«بهار» که همه راه‌ها و بیراهه‌ها را برای نجات پسرش طی کرده متوجه می‌شود گاهی به هر دری‌زند، ثمری جز خراب کردن پل‌های پشت سر و تباه کردن آینده ندارد

■ **زهرا افشار**

در سینیمای پسی از انقلاب، کمتر سابقه دارد که فیلمی تا این اندازه، به یکی از گناهان کبیره مهم برای تمامی ادیان، یعنی زنا نزدیک شود. فیلم‌های متعدد با تم خیانت تمامی ندارند اما «مغز استخوان» نمونه نادری است از خیانتی که خیانت نیست. همه چیز از ابتدای داستان، شفاف اتفاق می‌افتد و حتی یک پنهان کاری و دروغ کوچک هم به سرعت جای خود را به صداقت می‌دهد؛ صداقتی که تا پایان حفظ می‌شود و شاید همین، کلید رستگاری شخصیت‌هاست.

برای حسین و بهار تنها راه نجات پسر هشت ساله‌شان از سرطان خون، دست یافتن به بند ناف یک نوزاد جدید است اما بحران از جایی شروع می‌شود که می‌فهمیم حسین پدر واقعی بچه نیست و بهار هم نمی‌خواهد این تنها شانس نجات فرزندش را از دست بدهد. از اینجای داستان به بعد، مخاطب در گیر تئوریه کردن یک گناه بزرگ است؛ پیام در یک قدمی مرگ است. دکتر می‌گوید احتمال زنده نگه داشتنش تا ۹ ماه آینده وجود دارد، هر چند قطعی نیست اما پدر واقعی پیام به جرم قتل – که به مرور می‌فهمیم کار او نبوده و جرم را به خاطر پولی که زندگی خانواده‌اش را تأمین خواهد کرد، گردن گرفته- در زندان است و حکمش یک ماه دیگر اجرا می‌شود. بهار هم باید شوهرش را راضی به قبول این ننگ کند و هم به دنبال راه چاره باشد. زمانی تا اجرای حکم مجید نمانده و نمی‌توان برای انجام عمل آوی‌روی خروج او از زندان حساب کرد. سعتی دارد، رفتن بهار به داخل زندان است و این به معنای طلاق از حسین و صیغه شدن با مجید، بدون نگه داشتن عدد است، یعنی فرزندی نامشروع، تنها راه نجات فرزند گرفتار سرطان است.

بهار تصمیم خودش را گرفته و می‌خواهد تا نه خط برود تا حتی اگر موفق به نجات پسرش نشد، پیش وجدان خودش شرمنده نباشد. فیلم، با به پای این حس انتقام مادرانه پیش می‌رود. بهار با چوب وجدان تلاش برای نجات پسر بیمارش، سعی دارد وجدانش برای تقیح از تکاب گناه را از بین ببرد و نهائیا موفق می‌شود. او اشکریزان و مستأمل با پای خودش برای ارتکاب گناه به زندان می‌رود؛ جایی که قرار است ندامتگاه و پاک‌کننده گناهان وارد شوندگان باشد.

کار تمام است و فیلم دارد به انتها می‌رسد در حالی که موفق شده به مخاطب بقبولاند هدف وسیله را توجیه می‌کند اما سکناس آخر همه چیز را عوض می‌کند و «مغز استخوان» را از فیلم ساختار شکن و کثیف، به یک نمونه سینمایی خوب برای انتقال مفهوم نهی از منکر تبدیل می‌نماید. مجید حاضر نمی‌شود دست به زنی بزند که در واقع هنوز زن مرد دیگری است؛ زنی که با شروش و پارتنی، توانست تاریخ جنس انسان طلاش را تغییر دهد و بعنوان شرعی را قانونی حل کند.بهار وجدان خودش را سر کوب کرده چون دارد برای نجات جان فرند دیگری می‌جنگد اما وجدان مجید بیدار تر از هر زمان دیگری است، چون فقط ۱۰ روز تا پایان عمر خودش مانده. به پدر پشتر از هر کس دیگری حال پسر را درک می‌کند و برای همین حاضر نیست به خاطر نجات زندگی دنیایی او، آخرت خودش را تباه کند. اگر بهار، مرگ را شستری دیده که فعلاً در خانه دیگران خوابیده، مجید خوب می‌داند که مرگ و روز حساب چقدر به انسان نزدیک است و هیچ پنهانی برای گناه پذیرفته نیست.

پایان بندی فیلم در راستای رستگاری بهار است. مادر، وجدانش را باز یافته با لیجنندی که نشان از رضایت و تن دادن به مقدرات است، مشغول ترمیم‌اری پسر است. این همان مادری است که در سکناس آغازین فیلم، رویروی دکتری که به او اعلام می‌کند پند پیام، پیوند «مغز استخوان» را پس زده و دیگر ابمدی ای نمانده فقط باید به خدا توکل کرد، در پراخن می‌کند حواله دادن به خدا و منتظر معجزه ماندن را مسخره می‌داند. در نگاه بهار ابتدای فیلم، حتی مادرش به عنوان یک زن سنتی بر هم می‌تواند حرف از دعا و اوامه بزند، اما او به دنبال حرف علم پزشکی است؛ چیزی که روی زمین تکیه‌گاه او باشد اما بهاری که همه راه‌ها و بیراهه‌ها را برای نجات پسرش طی کرده متوجه می‌شود گاهی به هر دری‌زند، ثمری جز خراب کردن پل‌های پشت سر و تباه کردن آینده ندارد.



| |
|--|
| <div><div></div><div><div>روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ابران</div></div></div> |
| <div> <div><div></div><div><div>صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>سر دبیر: غلامرضا صادقیان</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>www.javanonline.ir</div></div></div></div> |

طلوع «خورشید»مجیدی در فجر

فیلم «خورشید» به لحاظ قوام کارگردانی و روایت جذابش بسیاری از تماشاگران را به یاد فیلم تحسین شده «بچه‌های آسمان» انداخت



■ **فرزین ماندگار**

در روزی که «خورشید» مجید مجیدی نگاه‌ها را به خود جلب کرده حذف مهندسی‌شده فیلم «خروج» از لیست آرای مردمی جشنواره فجر، حرف و حدیث‌های زیادی را دامن زده است تا جایی که برخی انتقاد از دولت را دلیل این حذف قلمداد کرده‌اند.

فیلم «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا جزو فیلم‌هایی است که در این دوره از جشنواره فیلم فجر با استقبال تماشاگران مواجه شده و این را می‌توان از سانس‌های فوق‌العاده‌ای که نصیب آن می‌شود به وضوح دریافت اما در کمال حیرت این فیلم از لیست آرای مردمی جشنواره حذف می‌شود؛ اتفاقی که تعجب‌انگیز است.

محمدرضا فرجی مدیر امور رسانه‌های سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر در گفت‌وگو بامهر درباره سانس‌های فوق‌العاده این جشنواره اینگونه توضیح می‌دهد: «۱۷ بهمن ماه «درخت گردو» ساخته محمدحسین مهدویان در

ایران مال، «روز صفر» ساخته سعید ملکان ساخته محمد کارت در موزه سینما، استقلال و زندگی ۲ و «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا در موزه سینما و زندگی به سانس فوق‌العاده رسیدند. به گفته فرجی دو فیلم «سه کام حبس» و «خروج» طسی دو روز گذشته‌از ادامه رقابت در فهرست برترین فیلم‌ها از نگاه تماشاگران جشنواره بازمماندند.»

■ **سازمان سینمایی شفاف‌سازی کند!**

آثار حاتمی‌کیا همواره و در همه دوره‌های جشنواره در لیست آرای مردمی قرار داشته و حذف فیلم او عجیب به نظر می‌رسد. درباره آرای مردمی جشنواره فیلم فجر همه ساله حاشیه‌هایی رقم می‌خورد که شفاف‌سازی سازمان سینمایی ارشاد می‌تواند به این حاشیه‌ها پایان دهد، رویکردی که به نظر نمی‌رسد این سازمان تمایلی به آن داشته باشد!

■ **بازگشت مقتدرانه «خورشید»**

اما از نکات مثبت دوره سی‌وهشتم جشنواره فجر بازگشت مقتدرانه مجید مجیدی است. مجیدی که در این دوره از جشنواره با فیلم «خورشید» حاضر است و اما و اگرهایی درباره

■ **حکمت**

حکمت ۴۵۷

دو گر سنه هرگز سیر نشوند:

جوینده علم و جوینده مال.

| |
|--|
| <div><div></div><div><div>روزنامه امتیاز: پیام‌آوران نشر روز</div></div></div> |
| <div> <div><div></div><div><div>مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>سر دبیر: غلامرضا صادقیان</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان</div></div></div></div> <div> <div><div></div><div><div>www.javanonline.ir</div></div></div></div> |

طلوع «خورشید»مجیدی در فجر

فیلم «خورشید» به لحاظ قوام کارگردانی و روایت جذابش بسیاری از تماشاگران را به یاد فیلم تحسین شده «بچه‌های آسمان» انداخت

درخشانی ساخته و بابک حمیدیان یکی از بهترین بازی‌هایش را انجام داده است.

■ **غفلت‌های یک روحانی در «روز بلوا»**

در بخشی از نشست رسانه‌ای فیلم «روز بلوا» بهروز شعبی کارگردان «روز بلوا» گفت: این فیلم درباره اخلاق است و یک شخصیت مذهبی با کسی که در ظاهر مذهبی نیست، باید در کنار هم با اخلاق و عدالت هم‌زیستی داشته باشند.

شعبی در پاسخ به این پرسش که آیا مدنظر شما این است که روحانیت به حوزه‌های علمیه بازگردد، گفت: این برداشتی است که شما کرده‌اید. ایده اولیه بر اساس التهابات اقتصادی سال‌های اخیر جامعه شکل گرفت، کسی که قرار است در مسئولیت فردی و اجتماعی دارای مراقبه باشد اما در این مسیر دچار غفلت‌هایی می‌شود. اینگونه نبود که از ابتدا بخواهیم فیلمی درباره یک روحانی بسازیم.

وی افزود: دوستان مؤسسه اوج این لطف را داشتند که طرح را خواندند و با بلندفکری و با اینکه می‌دانستند ملتهب است، آن را پذیرفتند. دوستان اوج همیشه نکات کیفی را گوشزد کرده‌اند، بنابراین «روز بلوا» سفارش اوج نبود. روحانیت بخشی تاثیرگذار از جامعه است و به موقعیت دولتی و حکومتی آن کاری ندارم.

در بخشی دیگر مهرا کاشفی نویسنده فیلمنامه گفت: من باید یک درام را شکل می‌دادم و حضور یک روحانی حساسیت‌ها را بالاتر می‌برد. به طور طبیعی کسی که قدرت بیشتری دارد، باید تحمل نقد بیشتری هم داشته باشد. کسی که قدرت زیادی دارد، اگر دچار لغزش شود چه اتفاقی برایش رخ می‌داد؟ من داستان مردی روحانی را تصور کردم که دچار لغزش می‌شود و سعی می‌کند

این را جبران کند.

در ادامه کارگردان «روز بلوا» درباره سادگی شخصیت اول فیلم گفت: اتفاقاً روحانیت درس اقتصاد می‌خواند و اصلاً ساده نیست، اما در خانواده از اعتماد او سوءاستفاده کرده‌اند. وی درباره نامگذاری فیلم گفت: «روز بلوا» بیش از اینکه ما را به اتفاقات بیرونی دعوت کند، ما را به اتفاقات درونی دعوت می‌کند. روحانی فیلم ما به عدالت خودش برای پیش نماز بود. می‌شک می‌کند و یک بلوای درونی شکل می‌گیرد.

شعبی تصریح کرد: شخصیت اول فیلم ماه‌هازی بیرونی ندارد، ضمن آن‌که م‌قرار آنود پرونده سیاسی باز نیست، ما صرفاً کار پیش‌خبری تلویزیون را کردیم.

کارن همایون فرهم درباره موسیقی فیلم گفت: موسیقی «روز بلوا» زمان زیادی دارد اما زیاد شنیده نمی‌شود و تمعداً از کترت‌راسیونی دارد که مخاطب را دچار دلپره کند.

شعبی گفت: خیلی از کسانی که مذهبی هستند برای این مذهبی شده‌اند که اخلاقی‌تر باشند و خیلی از کسانی که در ظاهر مذهبی نیستند، به اخلاقیات متعهد هستند. ما

مشاوری روحانی داشتیم و قرار نبود بگویم همه روحانیت این است.

🎵 موسیقی

آغاز جشنواره موسیقی فجر

سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر از ۲۰ تا ۲۵ بهمن ماه در پنج شهر

سیستان و بلوچستان برگزار می‌شود.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر، جشنواره‌های استانی موسیقی فجر با حمایت ویژه سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر و در راستای همراهی با مردم سیل زده استان سیستان و بلوچستان آغاز می‌شود.

گروه‌های بومی استان سیستان و بلوچستان در این دوره از جشنواره از ۲۰ تا ۲۵ بهمن ماه در شهرهای زاهدان، چابهار، نیک‌شهر و قصر قند اجرا می‌کنند.

گروه‌های بومی و محلی از چابهار روزهای ۲۰، ۲۲ و ۲۳ در روستاهای نغور و نورکی و پارک نغور و گروه ساحل دلنوازان ۲۱ بهمن در روستای عورکی چابهار اجرا خواهند داشت.

همچنین گروه گلنداژ ۲۰ و ۲۴ بهمن در قصرقند، گروه آرش ۲۳ بهمن در قصرقند و گروه دولتی ۲۱ بهمن در نیک شهر اجرا می‌کنند.

اختتامیه سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در استان سیستان و بلوچستان در ۲۵ بهمن در فرهنگسرای زاهدان برگزار می‌شود.

سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در استان سیستان و بلوچستان از سوی ستاد جشنواره با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن موسیقی استان برگزار می‌شود.

■ **نما حسین کشکار**



ورود دولتی‌ها علیه «خروج»

■ **اما قریبیان!**

حاتمی‌کیا به این پرسش که با چه منطقی فیلم فرام جاده‌ای رفته است، هم پاسخ داد: «من فیلم جاده‌ای خیلی دوست دارم که تا حالا فرشتش برابم فراهم نشده بود. این نوع فیلم کار بسیار سختی است و خدا را شکر با حضور دوستان ساخت فیلم رقم خورد. در عمر ۵۸ سال‌هام باز بگری فرهیخته و روی اصول مثل آقای قریبیان ندیدم. کار کردن با تراکتور بسیار سخت است و من سر تعظیم بر استادی ایشان فرود می‌آورم که آنقدر در بازی‌شان ذوب شده بودند که باورش برای ما سخت بود.»

قریبیان اما ناراحت از هجمه دولتی‌ها از بازی‌گری در سینیمای ایران خداحافظی کرد: «من معتقدم این فیلم بهترین کار کارنامه من است. من وقتی این فیلمنامه را خواندم دوست داشتم. در این هفت سال پیشنهادهای زیادی شد، از هیچ کدام خوشم نیامد، دلم می‌خواست با کاری که دوست دارم حرفه‌ام را خاتمه دهم، وقتی این فیلمنامه را خواندم دیدیم این فرصت پیش آمده است.»

من دانستم فیلم زحمت زیادی دارد. یک ماه تمرین تراکتورسوار ی کردم، بنابر این این فیلم را دوست داشتم. همکاری به دلیل زیبایی فیلمنامه ایجاد شد و بلافاصله پیشنهادها برای رد پذیرتم. حالا اعلام می‌کنم این آخرین فیلم من در سینما بود و دیگر خداحافظی می‌کنم چون دیگر حوصله بچه‌بازی و غرض‌ورزی مسئولان سینمایی را ندارم.»

■ **اعتراض چطور!**

از حاتمی‌کیا پرسیده شد آیا فیلم شما به این معناست که نظام اسلامی بعد از ۴۰ سال هنوز سوز کاری برای اعتراض مردمی ارائه نکرده است، «چرا که نه؟ هنوز این سرباز را پیندا نکرده‌اند، فرانسه این اتفاق چند ماه است رخ می‌دهد. ما هنوز جایگاهی پیدا نکرده‌یم که بر همین اساس کل نظام زیر سؤال برود که به حق هم هست. وقتی می‌خواستیم این فیلمنامه را شروع کنیم، قضیه این مطالعه‌گری پیشنهاد بود. شدت تحولات به قدری بود که مثل اصحاب کهف شده بودیم؛ به نظر من این مطالعه‌گری باید اتفاق بیفتد. امیدوارم با آمدن سازو کار های پارلمانی جدید راهکار پیدا شود. که باید پاسخگو باشند خوشحالم که سهمی در این مطالعه‌گری داشته‌ام. این فیلم می‌توانست تلخ باشد. من می‌توانستم فیلمی بسازم که از بودنشان بشیمان باشیم، ولی من کشورم را دوست دارم. همه کشورشان را دوست دارند و مطالعه دارند ولی باید مسیر آن تعریف شود.»

■ **درباره شهید سلیمانی**

«آرزویم این است که فیلم شهید سلیمانی را بسازم ولی نمی‌تاثم چه پیش می‌آید. زمانی آرزویم این بود که درباره شهید چمران فیلم بسازم اما علاقه‌مند هستم درباره زندگی سردار سلیمانی هم حتماً فیلمی بسازم.»

این توضیحی بود که حاتمی‌کیا درباره فیلم‌های بعدی‌اش داد. از او همچنین پرسیده شد فکر نمی‌کنید «خروج» فیلم حاتمی‌کیا نیست: «حاتمی‌کیا اینجا نشسته است. اینکه تو می‌گویی حاتمی‌کیا اینطور است. البته خوب است. بداند ایند این فیلم از سال ۸۹ شروع شد که آنطور که می‌خواهم شکل نمی‌گرفت تا امروز. من این را که فیلم من در بیسن آرای مردمی وجود ندارد، یک شوخی بزرگ می‌دانم و واقعیت این است اصلاً امکان ندارد و محال ممکن است این اتفاق رخ داده باشد. به نظر می‌آید اساس یک مهندسی به ظاهر ساده اما پیچیده رخ داده است.» حاتمی‌کیا می‌گوید از هجمه‌ها ناراحت نیست و از چیز دیگری عصبانی است: «گناه ما چیست که فیلم ما سبب دگرزی می‌شود؟ چرا جنس نوشته‌ها و واکنش‌ها دادگاهی شده‌است؟! این چه زبان بی‌حیایی برای من سرباز است؟! چرا بی‌حیا می‌شویم؟! به من می‌گویند دهه‌ات گذشته‌است خودم را به خودم پس می‌دهید؟! روزی که علی حاتمی رفت آیا جایش پر شد؟! ما کنار برویم، لذت می‌برید از این رفتار؟! از این ور آن ور این واکنش‌ها وجود دارد. من از این فضا دلخورم. «خروج» بیست‌سال فیلم من است و من ۲۰ بار این بالا آمده‌ام. چرا ستم سال سخت‌تر می‌شود چرا فضا را این شکلی کردید که مثل قفس قرار است. انصاف کنید عمرم را بابت هر فیلم می‌گذارم برای هیچ فیلمی کم فروشی نکرده‌ام. به نظر ساده می‌آید تراکتور را میان خیابان بیندازید ولی چرا اینگونه با بی‌حیایی حرف می‌زنید. چرا به من گیر می‌دهید؟! این اشکال بزرگ است. از کنار هم بودن افتخار کنید ما سربازان فرهنگی این نظام هستیم.»



گوینده پیشکسوت رادیو درباره معیارهای انتخاب گوینده در رادیو و تفاوت‌های آن با گذشته گفت: در گذشته انتخاب گوینده سخت‌تر بود؛ چند هزار نفر غربال می‌شدند تا نهایتاً چند نفر به عنوان گوینده انتخاب می‌شدند و گوینده‌های انتخاب‌شده آموزش می‌دیدند، امّا الان این آموزش‌ها کم شده است. ناصر قوام‌پور گوینده رادیو در گفت‌وگو با ایسنا گفت: تعدد شبکه‌های رادیویی باعث شده انتخاب گوینده با گذشته متفاوت باشد و فرصت برای آموزش دادن به گوینده‌ها قبل از اجرا کمتر است. زمانی بود که انتخاب گوینده طول می‌کشید و شرایط خاص خودش را داشت.

گوینده باید علاوه بر داشتن صدای مناسب، حضور ذهن و بداهه پردازی، در زمینه‌ای نیز تخصص داشته باشد. هر شبکه‌ای